

# فرایند تاثیرگذاری عملیات روانی در عراق

جعفر انصاری فر

بمباران‌های وسیع و موشک‌پرانی‌های معمولی،

در عملیات نظامی ایالات متحده ایجاد شود. برای جریان‌خلاء مزبور ارتش آمریکا بهره‌گیری از سلاح‌های بسیار دقیق و موشک‌های آدرس‌یاب به همراه بکارگیری گسترده از عملیات روانی را در دستور کار خود قرار داد که بنا به گفته بسیاری از ناظران نظامی، این امر دستاوردهای مثبتی نیز دربرداشت.

در واقع، سرنگونی سریع، آسان و کم‌تلفات حکومت صدام تنها از طریق نظامی به دست نیامد، بلکه این اقدامات روانی ارتش ایالات متحده بود که این سرنگونی را تسریع و کم‌هزینه نمود. برخی معتقدند پیش از شلیک حتی یک

درآمد

اگرچه افکار عمومی بین‌المللی نتوانست به مثابه عاملی بازدارنده در برابر اقدامات نظامی ایالات متحده علیه عراق عمل کند؛ اما در عین حال، باعث شد که ایالات متحده در طول جنگ برخی از خواسته‌ها و دغدغه‌های افکار عمومی بین‌المللی مانند تلاش در جهت عدم گستر غیرنظامیان، عدم به کارگیری تسلیحات انبوه، عدم انهدام زیرساخت‌های اقتصادی عراق و نیز عدم ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی را در نظر بگیرد.

اقدام فوق باعث شد تا نوعی خلاء ناشی از عملیات غیردقیق، باعث شود تا نوعی خلاء ناشی از

ساکن شده‌اند. سازش پذیری، اجتماعی بودن، علاقه مندی به حفظ آداب و رسوم تاریخی و اجتماعی، توانایی اثر پذیرفتن از جوامع و فرهنگ‌های دیگر، سکولار بودن، سازشکار بودن و فقدان صداقت و یکرنگی، در مقایسه با

جوامع بیابانی و کوهستانی از شاخصه‌های اصلی این جوامع است. جامعه عرب سنی عراق در این محدوده سیاسی و طبیعی، حیات دارد.<sup>(۱)</sup>

استقرار حکومت بعثی اقتدارگرا، پس از سرنگونی رژیم پادشاهی در عراق در سال ۱۹۵۸، علاوه بر تشدید برخی ویژگی‌های گذشته جامعه عراق، از جمله نفاق و عدم یکرنگی، خصوصیات جدیدی را نیز در این جامعه باعث شد. عدم وفاداری و پیوند میان شهروندان و دولت یکی از ویژگی‌های مهم دولت‌های عربی بوده است. شهروندان در این جوامع علاقه دارند تا به حال خود رها شده و از مقاصد شرورانه دولت‌های خود به دور بمانند.

حزب بعث عراق با نگرشی جدید به مساله فوق‌الذکر، کوشید تا مردم را به صورت کارکنان و مرودوران خود درآورد.<sup>(۲)</sup> نتیجه این تلاش، تبدیل جامعه عراق به یک جامعه توده‌ای بود که در آن، اعضا به صورت مصنوعی در یک رابطه یک طرفه با قدرت حاکم ساخت‌بندی شده بودند.

در خلال سال‌های ۶۸-۱۹۵۸، توده عراقی به دلیل حاکم شدن فضای رعب و وحشت با نوعی خلاء اعتمادی مواجه شد و به ویژه پس از استقرار حکومت صدام حسین که این فضا

گلوله به عراق، ایالات متحده با بکارگیری عملیات پنهان و روانی، جنگ را برده بود و عراق بازنده پیشاپیش جنگ محسوب می‌شد. همان گونه که یکی از فرماندهان ارشد ارتش عراق می‌گوید:

«افسران ارشد گارد ریاست جمهوری عراق، پیش از آغاز نبرد مغلوب دسیسه‌های روانی سیاشده و عوامل اطلاعاتی آمریکا به

عصق نهادهای رژیم عراق نفوذ کرده بودند تا بمب‌های آمریکایی را هدایت کنند.»<sup>(۱)</sup>

شواهد موجود از تسلیم شتاب‌زده نیروهای نظامی عراق و بعضاً استقبال مردمی از نیروهای آمریکایی نشان می‌دهد که عملیات روانی ایالات متحده و متحدان آن در جنگ اخیر با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه شناختی و روان شناختی جامعه عراق، نسبتاً موفق بوده است. به نظر می‌رسد، کارشناسان آمریکایی درک و شناخت درستی از روحیات، آداب، رسوم و خواسته‌های مردم عراق به دست آورده بودند و آنها را در عملیات روانی خود ملحوظ کرده بودند.

### ۱. ویژگیهای جامعه عراق

جامعه عراق در مطالعات و بررسی‌های اطلاعاتی و جامعه شناختی ایالات متحده، جامعه‌ای خاورمیانه‌ای که در آن اسلام شهری حاکم است، معرفی می‌شود. مراد از اسلام شهری، اشاره به اسلام در جوامعی دارد که در آن مردم در شهرها، به ویژه شهرهای مدیترانه‌ای

می دهد یا حوزه‌ای است که در آن افراد عاقل و مختار به طور ارادی با دیگران وارد روابط اجتماعی می شوند.<sup>(۵)</sup> نهاد موزبور، متشکل از سازمان‌ها و تشکل‌های خودجوش و غیردولتی مانند انجمن‌ها، سندیکاها، شوراها، فرقه‌ها، مطبوعات، رسانه‌ها است که روابط میان شهروندان و طبقه سیاسی را در قالب نظم تعریف شده‌ای، سازمان می دهد و فشار هر یک

## ادامه

## ۲. توده و حکومت فراگیر

را بر دیگری در مجاری خاصی تعدیل می نماید.<sup>(۶)</sup> اولین اقدامی که یک حکومت توانا تر پس از استقرار می کند، انهدام این موجودیت اجتماعی و حلقه واسط میان مردم و دولت است. حکومت فراگیر، خود تلاش می کند تا با حذف این حلقه، با متن توده ارتباط برقرار کرده و آنان را در جهت تحقق اهداف و منافع خود بسیج کند.

فقدان جامعه مدنی در جوامع توده‌ای، خلایی را ایجاد می کند که جامعه را دراز مدت دچار اختلال و ناهنجاری می کند؛ از این رو حکومت با عناصر جانشین این فقدان را پوشش می دهد. به این ترتیب، حکومت توانا تر از طریق تولید و ایجاد سازوکارهای ذیل، جامعه را مهندسی می کند:

- الف- تولید و ترویج یک ایدئولوژی مشترک؛
- ب- ایجاد یک حزب واحد فراگیر؛
- ج- نظارت انحصاری بر تمام ابزار و وسایل نظامی؛
- د- نظارت انحصاری بر تمام وسایل ارتباط جمعی؛

از مهم‌ترین فرآورده‌های حکومت‌های توانا تر؛ واقعیتی اجتماعی به نام توده می باشد. توده جماعتی است از انسان‌ها که تحت شرایط خاصی و تنها تحت همین شرایط، ویژگی‌های جدیدی به دست می آورد که با مختصات انفرادی یکایک افراد تفاوت دارد. خود آگاه فرد در این شرایط، ناپدید و احساس و افکار توده به یک سو متوجه می شود.<sup>(۷)</sup>

توده، مستقیماً محصول چیدمان و مهندسی اجتماع حکومت توانا تر است که بر آن ناخودآگاه اجتماعی حاکم شده است. حکومت توانا تر برای تحقق اهداف و خواسته‌هایی که بر اساس آن متولد شده، جامعه را به نحوی مهندسی می کند تا اهداف در کوتاه مدت عملیاتی شود.

در یک جامعه مدرن، مسوولان حکومتی و قدرت حاکم معمولاً از مسیر نهادی به نام جامعه مدنی با مردم تحت امر خود ارتباط برقرار می کنند. جامعه مدنی، عرصه‌ای است که انسان نوین، به طور مشروط، منافع شخصی خود را برآورده ساخته و فردیت خود را پرورش

اجتماعی، جای خود را به القابذیری توده‌ای، اضطراب فردی و جمعی و بحران هویت می‌دهد.

ترویرستی.<sup>(۹)</sup>

در جامعه توده‌ای شبکه همبستگی و فضای روابط نزدیک تضعیف گشته و به جای آن شبکه‌ای از ارتباطات توده‌ای دورادور برقرار می‌گردد.<sup>(۹)</sup> حزب واحد نیز با نفی تنوع و تکثر در فضای عملی سیاست‌ورزی، فعالیت‌های اجتماعی و بیشتر سیاسی توده و نیز روابط غالباً یک طرفه آنها را با هیات حاکمه و رهبران، سازماندهی می‌کند. حزب واحد در واقع، نمود بیرونی و سخت‌افزاری ایدئولوژی حاکم می‌باشد.

از رهگذار جانشینی عناصر فوق بر جامعه، اجتماع متنوع و متکثر از حیث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به یک جامعه یکدست حداقل در ظاهر، تبدیل می‌شود. ایدئولوژی مشترک، حزب واحد، نظارت بر ابزار و وسایل نظامی و ارتباطی، پروسه مزبور را تسریع کرده و سیستم پلیسی و ترویرستی، مقاومت‌های مدنی در برابر یکسان‌سازی فرهنگی و سیاسی را درهم می‌شکند.

حکومت تو تاثیر تنها با تکیه بر ایدئولوژی و حزب واحد نمی‌تواند جامعه مدنی و روابط سیاسی و اجتماعی موجود را منهدم کند. پس برای ساخت‌بندی مجدد جامعه، باید علاوه بر ترویج ایدئولوژی و حاکم کردن حزب واحد، مراجع فکری و روابط سیاسی و اجتماعی جامعه قبل را ویران کرد که این اقدام به معنی به کارگیری درجه‌ای از خشونت، حتی خشونت عریان می‌باشد.

به این ترتیب، حکومت فراگیر از طریق ترور و ایدئولوژی، جامعه مدنی را درهم می‌شکند و شرایط جامعه توده‌ای را تحکیم می‌کند. یکی از طریق ویران کردن روابط میان انسان‌ها و دیگری از طریق انهدام روابط ادراک انسان با واقعیت،

ایدئولوژی و ترور، فضای جامعه مدنی را از بین برده و همه مردم را همسان می‌سازد. جامعه توده‌ای فاقد هرگونه تنوع و چندگونگی است.<sup>(۱۰)</sup>

بدین سان، فرد متعلق به یک گروه اجتماعی،

سیاسی خاص، مستقیماً مخاطب اقدامات قدرت حاکم قرار می‌گیرد. خودآگاهی فرد، انگیزه‌ها و نگرش‌های متفاوت وی در مواجهه با ایدئولوژی و سیستم پلیسی، توان مقاومت خود را از دست داده و فرد برای حضور در توده، آنها را به ناخودآگاه اجتماعی کوچ می‌دهد.

ایدئولوژی مشترک به عنوان منبع فکری و الهام‌دهنده رهبران و توده با تفاسیری که از شرایط و مسائل گوناگون در اختیار مصرف‌کنندگان خود قرار می‌دهد، نوعی حاکمیت تفکر قالبی را در جامعه باعث می‌شود. تفکر مزبور توده را در جهت‌گیری و اعلام مواضع، نسبت به رویدادهای متفاوت، یاری می‌رساند.

ایدئولوژی مشترک با عرضه و تفسیری واحد از کل امور، اراده فرد را برای اجبار درونی خود بسیج می‌کند.<sup>(۸)</sup> در جامعه توده‌ای، فردیت، انگیزه، نگرش شخصی و افکار متفاوت

بر این اساس، آرمان ایدئولوژی بعثی اعتقاد به واحد بودن اعراب و سازماندهی آنان در قالب یک حکومت بوده است. در راستای دولتی کردن صنایع و تمرکز فعالیت های اصلی تولیدی در دست دولت است. سوسیالیزم بعثی اعتقاد به سیادت اعراب و قوم عرب به دیگران، معنی می شود. از آزادی در مرام، مزبور سرنگون کردن

کشورهای عربی و غیر عربی و جدا کردن مناطق

عرب نشین آن، تغییر می شود.<sup>(۱۱)</sup>

به جز ایدئولوژی بعث، حزب بعث نیز به عنوان حامل ایدئولوژی تلاش می کرد تا روابط شهر و زنان و قدرت حاکم را به صورت یک طرفه تنظیم کند. حزب بعث که نام دیگر آن «حزب رستاخیز سوسیالیست عربی» است، در ۱۹۶۳ توسط میشل عفلق و با همکاری یکی از مقامات عالی رتبه رژیم سابق سوریه با نام صلاح الدین بیطار بر سه پایه سوسیالیزم، آزادی و اتحاد بنیاد گذاشته شد. حزب دارای دو سطح بود، یکی سطح شورای ملی که به امور وطن عربی رسیدگی می کرد و دیگری سطح شورای منطقه که در هر کشور عربی که حزب پایگاه داشت، فعالیت می کرد. در سال ۱۹۶۴ با پیشنهاد میشل عفلق، صدام حسین رئیس فرماندهی منطقه شاخه عراقی حزب بعث شد و در ژوئن ۱۹۷۹ با رئیس جمهور شدن صدام حسین، فعالیت های این حزب شدت گرفت.

حزب بعث با ترویج اندیشه و مرام بعثی، تمام سازمان های سیاسی، اجتماعی و مذهبی را به نفع خود مہدم کرد. به نحوی که تا فروپاشی

نتیجه چنین اقداماتی از میان رفتن تنوع و تکثر عقیدتی، سیاسی و حتی فرهنگی، اجتماعی در جامعه مزبور است که نهایتا به رفتار توده ای می انجامد، رفتاری که به قول لوبون: «ناخودآگاه و ناشی از تحریک های اتفاقی» است.

## ۲. جامعه توده ای عراق

با آنکه برخی معتقدند تمام ویژگی های جامعه توتالیتیر که در سطور فوق به آن اشاره شد، به صورت یکجا در هیچ یک از حکومت های اتوکراسی شناخته شده، موجود نیست. ولی بررسی جامعه عراق به ویژه پس از تثبیت حکومت بعثی صدام حسین، نشان می دهد به نحوی از انحاء پنج ویژگی جوامع فراگیر هر چند با غلظت های متفاوت، در این جامعه موجود بوده است. ایدئولوژی مشترک، حزب واحد، نظارت بر ابزارهای نظامی و وسایل ارتباط جمعی و حاکمیت سیستم پلیسی و تروریسم دولتی، مسایلی است که همگان به آن اذعان دارند.

ایدئولوژی مشترک یعنی بعثیزم، بخش نرم افزاری حکومت توتالیتیر عراق را تشکیل می داده است. مرام بعث به عنوان ایدئولوژی حاکم، ذهن عراقی ها را در خلال سال های حاکمیت بعثی ها به عراق شکل داده بود. ایدئولوژی مزبور از اندیشه های یک فرد مسیحی، سوری به نام میشل عفلق ناشی می شد. وی معتقد بود بر اساس آموزه های این ایدئولوژی، اعراب باید یک امت واحد را تشکیل دهند.

تصاویر و اسنادی از شبکه‌چه و اعدام مخالفان، نشانگر وجود حاکمیت سیستم تروریسم دولتی و کنترل شدید شهروندان عراقی بوده است. علاوه بر این، حکومت، مطبوعات و رسانه‌های گروهی را به شدت کنترل می‌کرد. سیستم امنیتی حکومت، اجازه درج و انتشار هیچ‌گونه مقاله و مطالب مخالف را به مطبوعات و رسانه‌ها نمی‌داد. اخبار و مطالبی می‌توانستند از فیلتر سانسور شدید حکومتی عبور کنند که

سیستم امنیتی آن را مفید تشخیص می‌داد یا اخبار و مطالبی که توسط خود حکومت تولید و در اختیار آنها قرار می‌گرفت. همچنین کنترل شدید بر ابزارهای گیرنده پیام در عراق نیز تقریباً امری غیر ممکن بود و در صورت بهره‌گیری مجازات سنگینی دربرداشت. مثلاً دارنده تلفن ماهواره‌ای در عراق با مجازات مرگ مواجه بود. حتی در این سیستم مخوف، از پخش اخبار به صورت دهان به دهان و شایعه‌چلوگری می‌شد. به نحوی که مردم در فضای عمومی، از ترس عوامل پنهان سازمان‌های اطلاعاتی، اخبار و عقاید خود را سانسور می‌کردند. به گفته سمیر خلیل:

«یکی از اصلی‌ترین علل بقای رژیم (تأیید از جمله آمریکا) قابلیت آن در جلوگیری از نقل اخبار شایعه‌ها بوده است؛ زیرا تنها راه معنی‌دار شدن رویدادهای سیاسی نقل اخبار و شایعه‌ها به صورت شفاهی، چایی و از طریق روزنامه‌ها با رسانه‌های دیگر است. بدون اخبار و شایعات، یک رخداد در

حکومت صدام در سال ۲۰۰۳ هیچ‌حزبی اجازه فعالیت رسمی در عراق را نداشت و احزاب دیگر اپوزیسیون سازماندهی شده رژیم بعث محسوب می‌شدند که در خارج از عراق فعالیت می‌کردند. حزب‌الدعوه، مجلس‌اعلای اسلامی از جمله این احزاب بودند که در عراق صدام حسین اجازه فعالیتی نداشتند و تنها پس از فروپاشی این رژیم به فضای سیاسی عراق بازگشتند.

از آنجا که رژیم فراگیر بعثی خود ماهیتی نظامی داشت، بالطبع، انحصار و تسلط مطلق بر تجهیزات، ارتش و سلسله مراتب فرماندهی، اعمال می‌کرد. کنترل مطلق بر ارتش و تشکیلات امنیتی به صورت کامل در اختیار شخص فرمانده بوده و تمام تحرکات و فعالیت‌های آنها با نظر وی انجام می‌شد.

هم چنین حکومت مزبور از حیث گستره و اقدامات امنیتی در زمره خشن‌ترین و کثیف‌ترین نظام‌های موجود در جهان قرار می‌گرفت.<sup>(۱۶)</sup> تعداد سروس‌های اطلاعاتی و امنیتی با نام‌هایی چون استخبارات، مخابرات، امن‌العام و امن‌الخاص و پلیسی خشن که کمترین مقاومتی را در برابر شکل‌بندی جامعه توده‌وار بعثی درهم‌شکسته و امکان هرگونه ابراز عقیده مخالف را از اعضای جامعه سلب کرده بود به علاوه جنایات بی‌حد و حصر رژیم و تروریسم دولتی نشان می‌داد که رژیم توانایتر بعثی با تکیه بر حکومت صدام، مشخصه فوق‌ذکر را به صورت کامل داشته است. کشف‌گورهای دسته‌جمعی، انتشار

فعالیت‌های حزبی شرکت می‌کرد، بعضی می‌شد و وانمود می‌کرد که چیزی نمی‌داند و نمی‌خواهد بداند. فرد باید خود را در گروه و ارزش‌های آن حل می‌کرد.

این امر در نهایت به غلبه رویه تفاهت و دورویی در جامعه عراق انجامید. به گفته سمیر خلیل: «رپا و تظاهر و استفاده از صورتک در کارگاه، محل کار، اداره، برخورد با مقامات، همسایگان و حتی خانواده به قدری شایع بود که تمایز میان اصل و صورت را مخدوش کرد. آدم عراقی مانند حلزون در صدف خود با این شخصیت‌های چند لایه شکل گرفته بود.»<sup>(۱۵)</sup>

هر چند توانایان بر حکم بر عراق صدام حسین از شدت زیادی برخوردار بود، اما همان گونه که در فصول پیشین گفته شد، هر اندازه از جذابیت‌های اهدایی که توده بر اساس آن شکل گرفته شده بود کاسته شود، به همان اندازه از شدت خصلت توده‌ای و تعدد کمی آن کاسته خواهد شد. ایدئولوژی بعث با اهداف بلندی چون اتحاد ممالک عربی، سوسیالیزم و آزادی، اقلی‌های روشنی را برای توده تحت انقیاد خود ترسیم می‌کرد، اما گذشت زمان و رویدادهای مختلف که به کاهش جذابیت ایدئولوژی مزبور منجر شد، شدت و غلظت توده‌ای بودن جامعه عراق را حتی در مثلث سنی نشین کاهش داد.

بهبست موعود بعثیزم با نبردی هشت ساله با ایران، تهاجم به کویت، عقب‌نشینی از آن، ایجاد مناطق پرواز ممنوع و تحریم‌های اقتصادی،

حافظه جمعی قرار نمی‌گیرد.<sup>(۱۶)</sup>

در مورد مسایل حکومتی و اطلاعات سیاسی و نظامی این مساله ابعاد گسترده‌تری داشت به نحوی که کارمندان نهادهای نظامی و امنیتی و حتی دولتی بر اساس مخاطب‌شناسی حزبی آموخته بودند که چه سطحی از اطلاعات و اخبار را به لایه‌های اقشار اجتماعی و توده‌ها منتقل کنند، لذا نوعی اطلاع‌رسانی محدود رفتار مردم را شکل می‌داد، به طوری که تا پیش از آغاز جنگ، بخش عمده‌ای از مردم، بیشتر تحت تاثیر مسابقات ورزشی و فیلم‌های سینمایی و مناسبات قومی بودند تا مسایل مربوط به جنگ و مقاومت.<sup>(۱۷)</sup>

نتیجه حاکمیت توانایان بر جامعه عراق به ویژه در دوران صدام، تبدیل جامعه متکثر عراق به یک جامعه ظاهراً واحد بود. بعثیزم عراقی به منظور از بین بردن هر نوع تهدید علیه اقتدار بی‌چون و چرای خود با اضمحلال فردیت اعضای جامعه و با در دستور کار قرار دادن سیاست توده‌ای به استحاله طبقات پیرداخت. نتیجه اقدامات مذکور به منزوی کردن جامعه عراق از جهان پیرامون انجامید. در این جامعه اینزوله، افراد با سرکوب خواسته‌ها و غرایز خود آگاه، آنها را به ناخودآگاه اجتماعی با جهان خیالی بعثیزم رجعت می‌دادند. در عراق، احساس فردیت از دست رفته بود و پیوستن به جامعه توده‌ای یکی از شیوه‌های موثر دفاع از خود در عراق بعثی به شمار می‌آمد. شخص باید هویت خود را به قدرت حاکم پیوند می‌زد، در

سیاسی و تکنولوژیک به توده اهلی شده فهماند که آرمان‌هایی که به واسطه آنها بسیج می‌شدند، امکان تحقق را نداشته و هر روز که می‌گذرد بر دامنه تبعات منفی آن افزوده می‌شود؛ اما با این حال، توده عراقی با مشخصات ذکر شده تا آغاز جنگ سوم خلیج فارس، موجودیتی واقعی داشت؛ زیرا هر چند محورهای جنابیت بخش ایدئولوژی مزبور کمرنگ شده بود، اما در عین حال به همان اندازه هراس از قوای قاهره حکومت افزایش یافته بود. به طوری که ترس به مثابه جزئی از ساختمان روانی شهر وندان عراقی، اندام‌های بدنه سیاسی صجیب و ضریب عراق را به یکدیگر متصل می‌کرد. (۱۶)

عراق را به یکدیگر متصل می‌کرد. و حست مزبور باعث می‌شد تا فرد نه برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک بلکه به منظور گریز از تبعات منفی مخالفت و عدم همراهی، با جمع همسازی کرده و از تلقین‌های جمعی صادره از نهاد قدرت اطاعت کند.

### ۱-۳. فرستنده

برخی ویژگی‌ها در منبع پیام، در تاثیرگذاری و مقبولیت آن نزد مخاطب اثر دارد، شباهت، پیرسشژ، جنابیت، تخصص و اعتماد از جمله این خصیصه‌هاست.

شباهت منبع پیام با مخاطبان از ویژگی‌هایی است که قدرت متقاعدکنندگی منبع پیام را افزایش می‌دهد. مخاطبان وقتی احساس کنند

### ۳. چرخه متقاعدسازی

منبع پیام از حیث نژاد، زبان و فرهنگ شبیه آنها می‌باشند، تمایل بیشتری به تاثیرپذیری می‌یابند. (۱۷) در مورد منبع پیام تا پیش از آغاز عملیات نظامی، ایالات متحده از این مسیر اقداماتی را تدارک دیده بود. به این معنی که ایستگاه‌های رادیویی که برای عراق برنامه‌پخش می‌کردند، به منابع منابع خاکستری و سیاه عمل کرده و با مخفی کردن یا جعل هویت خویش با بهره‌گیری از گویندگان عرب و برنامه‌هایی که بر اساس فرهنگ و سنت‌های عراقی تهیه شده

پیچ‌عامل فرستنده، پیام، مخاطب، زمینه و محیط دریافت پیام به علاوه وسیله ارتباطی عناصر مدل متقاعدسازی را تشکیل می‌دهند. نحوه کار این مدل به این صورت است که فرستنده یا منبع پیام ابتدا اهداف یا اهداف خود را گریش می‌نماید در عین حال نیز نتیجه مورد نظری را که می‌خواهد به دست بیاورد، مشخص می‌کند. سپس گیرنده یا مخاطب پیام را مورد شناسایی قرار داده و آن گاه پیام و شکل آن را از حیث سفید، خاکستری



پیام‌ها و برنامه‌های رادیویی و بعضاً تلویزیونی در جنگ اخیر نشان می‌دهد که عملیات روانی مزبور بر پیام‌هایی استوار بوده که بر نوعی منطق القای بیم و امید طراحی شده بود.

پیام‌های ارسالی ایالات متحده به محیط روانی عراق با ایجاد هیجان در افراد تلاش می‌کرد تا ایده‌ها و هدف نهایی یعنی عدم مبارزه و تسلیم شدن را به مخاطبان القا کند. مکانیزم بیم و امید در مورد تبعات مقاومت و نیز پاداش‌هایی که به همراهان با ایالات متحده وعده داده می‌شد، قابل تحلیل است. روان‌شناسان اجتماعی با درجه‌بندی کردن ترس معتقدند نوعی ترس، یکی از سازوکارهای موثر در مجاب ساختن دیگران است. جنسیس می‌گوید:

«تاثیر ترس متوسط، مثلاً جهت برانگیختن مردم به مسواک زدن منظم دندان‌ها بیش از ترس شدید و ضعیف است. ترس شدید بر مخاطبان بیشتری تاثیر می‌گذارد که دارای عزت نفس باشند، در حالی که افراد دارای عزت نفس پایین، عمدتاً با محرک‌های دارای شدت متوسط برانگیخته می‌شوند و ترس شدید زمانی قدرت قانع‌کنندگی بیشتری پیدا می‌کند که راه‌مطمئن و معتبری در اختیار شنونده قرار دهد؛ در غیر این صورت شنونده وحشت زده تر جیح می‌دهد که از پیام مزبور بگذرد.»<sup>(۸۷)</sup>

پیام‌های هر اس انگیز ایالات متحده، در واقع نوعی هر اس انگیزی شدید بود؛ زیرا عواقب متفاوت را، مرگ و نیستی توسط نیروهای

بودند، بر روی مردم عراق کار روانی می‌کردند؛ اما هنگامی که عملیات روانی رسمی آغاز شد، منبع پیام که تا آن‌روز به صورت رسمی و مشخص آشکار نبود، هویت واقعی اش را نشان داد.

منبع پیام یعنی ایالات متحده بعد از این تاریخ مشخص شد. تراکت‌های پخش شده مشخصاً از جانب نیروهای ائتلاف پیام می‌دادند. اگر چه منبع پیام شباهتی به مخاطبان خود نداشت، اما تلاش شده بود تا این نقص با بکارگیری برنامه‌هایی که فرهنگ و حساسیت‌های عربی را لحاظ شده بود، جبران کنند. همچنین در اعلامیه‌های تبلیغاتی، تصاویر و نقوش مرتبط با فرهنگ عراق در نظر گرفته شده بود. از جهاتی دیگر منبع پیام با داشتن ویژگی‌هایی چون پرستیژ ابرقدرت بین‌المللی بودن بر مقبولیت خود افزوده بود. از این حیث یک فرستنده پیام نیرومند که در توانایی نظامی اش نمی‌شد تشکیک کرد، منبع قوی و قاطعی محسوب می‌شد و این امری بود که عراقی‌ها به آن واقف بودند.

اگر چه حکومت عراق تلاش کرده بود تا با ارائه چهره‌ای کریه از ایالات متحده آن را ضعیف جلوه دهد، اما پرستیژ، قدرت و قاطعیتی که بخصوص دولت بوش در برخورد با افغانستان نشان داده بود، پذیرش فرستنده را در حد بالایی قرار داده بود.

۲-۲. محتوای پیام  
بررسی محتوای اعلامیه‌های تبلیغاتی و برخی

بدون صدام اراپه می‌شند. هنگامی که هراس، مخاطبان خود را تلقین پذیر می‌کند، پیام‌های پاداش، امیدواری می‌دادند که آینده بهتر از حال خواهد بود و در نتیجه آنان را به عدم مقاومت فرا می‌خواندند.

اتلاف، عنوان کرده بود. تجربه جنگ پیشین و نبرد با افغان‌ها، مخاطبان عملیات روانی را مجاب کرده بود که پیام‌های مزبور به هیچ وجه غیر واقعی نیستند؛ همچنان که در روزهای نخست نبرد نیروهای اتلاف در عمل، این پیام‌ها را محقق کردند.

### ۳-۳. وسایل ارتباطی

روان‌شناسان اجتماعی، عنایت خاصی به وسایل و ابزارهای ارتباطی و پیام رسان در چرخه مفاعله‌سازی دارد. حتی به ارتباط وثیقی میان محتوای پیام و نوع رسانه نیز قائل هستند. بر این اساس، وقتی پیام ساده باشد رسانه‌های دیارزی بیش از رسانه‌های شنیداری و نوشتاری قادرند بر مخاطبان تاثیر بگذارند؛ در حالی که وقتی ادراک پیام دشوار باشد، برنامه‌های نوشتاری موثرتر است.

در عملیات روانی نیروهای اتلاف، وسایل ارتباطی که پیام‌های روانی نیروهای اتلاف را به مخاطبان منتقل می‌کردند، طیف وسیعی از رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری را شامل می‌شد.

با این که محتوای پیام‌های روانی اکثر ساده بودند، اما گسترده‌ترین رسانه‌ای که در این نبرد به کار گرفته شد، تراکت‌ها و اعلامیه‌های تبلیغاتی بودند که توسط هوایماها یا توپخانه در میان مخاطبان پخش می‌شدند.<sup>(۲۰)</sup>

در گذشته، محتوای اعلامیه‌های تبلیغاتی را نوشته‌های بلند و کوتاه تشکیل می‌داد، اما بر اساس تئوری فرق پیام‌های ساده، سختی با

از این رو، ترس مزبور مخاطبان را برای انفعال و تلقین پذیری آماده کرد. همان‌طور که تحقیقات شوارتز نشان می‌دهد انسان‌ها به هنگام ترس تلقین پذیر می‌شوند. نظامیان و وفاداران صدام با درک محتوای پیام‌ها در طول نبرد منفعل تر و تلقین پذیرتر شدند. چنانچه شدت جنگ این فرآیند را تشدید می‌کرد. فریدمن می‌گوید:

«تاثیر پیام‌هایی که به دنبال بمباران‌های هوایی ارسال می‌شوند، از پیام‌هایی که در شرایط عادی عرضه می‌شود، بیشتر است. در زمان جنگ، پیام‌هایی که امنیت و آرامش و زندگی بهتر در شرایط خاص را وعده می‌دهند و امید به بقا را در مخاطبان زنده می‌کنند، نگرش مساعدی را نسبت به عاملان جنگ روانی ایجاد می‌کند.»<sup>(۲۱)</sup>

به جز ترس و مکانیزم هراس انگیز، پیام‌های ارسال‌ی ایالات متحده پس از تولید هراس، عمل‌کنندگان به دستورات را به پاداش‌هایی در آینده حواله می‌کرد. این پاداش‌ها با تاکید بر انگیزه‌های اولیه و ثانویه مانند حفظ حیات و زنده ماندن در صورت عدم مقاومت و نیز برخورداری از یک زندگی آرام و مرفه در عراق

رژیم بعضی درجات مختلفی داشت، مثلاً می‌شود گفت، یک فرمانده گارد ریاست جمهوری احتمالاً از وابستگی عقیدتی و سیاسی بیشتری نسبت به هم‌نمای خود در نیروی زمینی داشت؛ اما با این حال نمی‌شود معیار وفاداری را تنها در چیدمان افراد در پست‌های حکومتی دانست؛ زیرا در برخی موارد، در جنگ اخیر نشان داد که بعضاً مقاومت سربازان و نیروهای عادی بیشتر از نیروهای گارد ریاست جمهوری بود که پس از قطع تماس با فرماندهی، سریعاً از مقاومت منصرف شدند.

از غیرنظامی‌ها نیز به عنوان دیگر هدف نیروهای ائتلاف، خواسته می‌شد تا از ورود به جنگ اجتناب کرده و یا به نیروهای آمریکایی کمک کنند.

### ۵-۳. شرایط دریافت پیام

جامعه توده‌ای عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس و آغاز تحریم‌های اقتصادی و سیاسی غرب، به شدت در ضعف و فترت به سر می‌برد. فقر، سوء تغذیه، شیوع بیماری‌های واگیردار و مسایلی از این دست، مشکلاتی را پدید آورد که عراق را که در دهه هشتاد سوئیس خاورمیانه می‌نامیدند، به کشوری عقب افتاده و فقیر تبدیل کرد. به علاوه تداوم حکومت سرکوبگر بعثی یا به عبارتی تداوم حاکمیت جمهوری وحشت که زوایای زندگی اشخاص را نیز می‌کاوید، فقدان هویت، عدم مشروعیت بین‌المللی و عدم مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، به دامنه

رسانه‌های نوشتاری ندارند، پس با توجه به این که ارسال پیام‌های تصویری در محیط عراق که مخاطبان آن به ویژه نظامیان که از داشتن گیرنده محروم بودند، ممکن نبود. بنابراین تقص تراکت‌های نوشتاری با تبدیل آن به یک رسانه دو وجهی رفع شد. بهره‌گیری از زبان تصویر آن هم با گرافیک و تصاویر شفاف و واضح به همراه پیام‌های ساده‌ای به زبان‌های عربی و انگلیسی، مشکل مزبور را رفع کرد.

پیام‌های شنیداری نیز در عملیات اخیر گسترده‌گی زیادی نداشت زیرا به دلیل گرانی رادیو، بسیاری از داشتن آن محروم بودند و مساله دیگر زمان پخش برنامه‌های رادیویی بود که در شب هنگام پخش می‌شد، در حالی که مردم عراق در شب از خانه خارج می‌شدند و به برنامه‌های رادیویی گوش نمی‌دادند.<sup>(۲۱)</sup>

به این ترتیب می‌توان گستره بهره‌گیری از رسانه پیام رسان را در جنگ عراق، تراکت، شایعه، رادیو، تلویزیون و پیام‌های کوتاه تلفنی و اینترنتی را عنوان کرد.

### ۴-۳. مخاطب، گیرندگان پیام

از یک منظر می‌توان مخاطبان عملیات روانی در این جنگ به وفاداران صدام و بی‌تفاوتان تقسیم کرد که آنها نیز به نوبه خود به نظامیان و غیرنظامیان تقسیم می‌شوند. نظامیان به عنوان بزرگ‌ترین هدف جنگ روانی نیروهای ائتلاف، شامل فرماندهان، افسران ارشد، نیروهای گارد و سربازان عادی بودند که میزان وابستگی آنان به

توده‌ای بودن جامعه عراقی کاست.

در سال‌های پایانی حکومت صدام، جامعه عراقی به توده بی تفاوتی تبدیل شده بود که سیستم، توان بسیج کردن آن را به نفع خود نداشت، تنها عاملی که می‌توانست ظاهر توده فرمانبر ولی بی تفاوت را حفظ کند، ترس بود که در سرتاسر جامعه مزبور نهادینه شده بود. به این ترتیب، توده عراقی که مشخصه اصلی آن در پانزده سال گذشته سنی و عرب بودن، بود را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد:

۱. وفاداران به صدام؛
۲. بی تفاوتان به حکومت.

انگیزه‌هایی که وفاداران به صدام را به تداوم حمایت از رژیم بعثی و امی داشت، علاوه بر انگیزه‌های اولیه، این مساله بود که تمام ارکان زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان به نحوی از انحاء به بقای حکومت صدام وابسته بود. آنان در ذیل حکومت صدام و تنها در قبال

اطاعت محض از کادر رهبری و شخص صدام، از ثروت، امنیت، آزادی عمل نسبت به زیردستان و بهره‌گیری از مواهب حضور در جمع برخوردار بودند.

رفتار بی تفاوتان را نیز بیشتر انگیزه‌های اولیه یعنی حفظ حیات و ترس از مجازات هدایت می‌کرد. آنان با توجه به سرکوبگری حکومت، خودآگاهی خود را به صورت خودانگیزخته به ناخودآگاه اجتماعی رجعت داده بودند؛ ولی در ظاهر از فرمان‌های رهبران خود اطاعت کرده و از مواهب اندکی نیز برخوردار می‌شدند.

این مشکلات می‌افزود.

سیستم نظامی عراق هم که یکی از قوی‌ترین و کارآمدترین نیروهای نظامی در خاورمیانه محسوب می‌شد، به علت آسیب‌های جدی از جنگ با ایران و ایالات متحده و عدم ترمیم آن به دلیل تداوم بحران‌ها به یک ارتش ضعیف مبدل شده بود. ارتش مزبور به شدت با کمبود امکانات تکنولوژیک، تدارکات و تسلیحات پیشرفته مواجه بود و سربازان حتی از حیث تغذیه نیز در شرایط دشواری قرار داشتند.

در این شرایط و در هنگامی که یک ارتش بین‌المللی قدرتمند با تجهیزات و امکانات کافی که بنا به گفته کارشناسان نظامی توازن منفی یک به صد را تشکیل می‌داد.<sup>(۳۳)</sup> به علاوه شدت بمباران‌ها و موشک‌پرانی‌های دقیق، شرایط روانی را برای مخاطبان در جهت پذیرش پیام‌های عملیات روانی، ایجاد و تثبیت می‌کرد.

#### ۴. تحول در رفتارهای جمعی

در حکومت‌های فراگیر، انگیزه‌های اولیه و بسیاری از انگیزه‌های ثانویه به نفع قدرت و ایثارولژری حاکم مهندسی می‌شوند. حکومت بعضی عراق نیز با دستکاری در انگیزه‌ها، نگرش و افکار عمومی افراد تحت سلطه خود، رفتارهای جمعی بسیاری از آنان را که در قالب توده درآمده بودند را در راستای منافع و اهداف خود شکل داده بود، اما همان‌طور که گفته شد، گذر زمان و ناکامی‌های بسیار در عرصه عمل، عدم تحقق آرمان‌های قوام‌بخش توده، از شدت

ملاحظه است. (۲۶)

گروه وفادار نیز وقتی در روزهای نخست عملیات نظامی فهمید تبعات منفی مقاومت، مرگ و نابودی است؛ با تحت الشعاع قرار گرفتن انگیزه‌های ثانویه به نفع انگیزه حفظ جان، برای بقا از مقاومت دست کشیدند.

گروهی دیگر که زیرگروه وفاداران به صدام را تشکیل می‌داد، تحت تاثیر القای حزب، از انگیزه‌های اولیه را به نفع انگیزه‌های ثانویه دست کشیده و قصد داشتند تا پای جان مقاومت کنند، اما مکانیزم روانی جداسازی از توده، آنان را نیز در حالت انفعال و بالاکلیفی قرار داده و در نتیجه در تداوم مقاومت مرد شدند.

ایالات متحده نیز با استفاده از این فرصت، عملیات نظامی را سرعت بخشید. هنگامی که بر اثر عملیات روانی نیروهای ائتلاف و شدت عملیات نظامی، انگیزه‌های توده عراقی دستخوش دگرگونی قرار گرفت، به ترتیب، نگرش‌ها و افکار آنان نیز متحول گردید. تحول در افکار و در نتیجه در رفتارهای جمعی به ویژه در اواسط جنگ به قدری شایع شد که در روز

سوالات	عرب سنی	عرب شیعه	کرد
آیا تهاجم صحیح بود یا نادرست؟			
صحیح	۲۴ درصد	۵۱ درصد	۸۷ درصد
نادرست	۶۳ درصد	۲۵ درصد	۹ درصد
عراق آزاد شد یا سرفکنده؟			
سرفکنده	۶۶ درصد	۳۷ درصد	۱۱ درصد
آزاد	۲۱ درصد	۴۳ درصد	۸۲ درصد
نیروهای ائتلاف باید هم اکنون عراق را ترک کنند؟			
آری	۲۹ درصد	۱۲ درصد	۹۳ درصد
سیستم سیاسی مورد نظر شما			
دموکراسی	۳۵ درصد	۴۰ درصد	۷۰ درصد
رهبر قوی برای زندگی	۳۵ درصد	۲۳ درصد	۶ درصد
حکومت اسلامی	۱۵ درصد	۲۶ درصد	۸ درصد
سیستم سیاسی مورد نظر شما			
رهبر قوی مفرد	۴۹ درصد	۲۳ درصد	۱۶ درصد
دموکراسی	۲۱ درصد	۳۹ درصد	۶۷ درصد
رهبران اسلامی	۶ درصد	۷ درصد	۲ درصد

نظرسنجی‌هایی که پس از فروپاشی رژیم بعث در مثلث سنی نشین و دیگر مناطق عراق به عمل آمد، اثبات می‌کرد که توده سنی به دو بخش فوق‌الذکر تقسیم شده بودند.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که توده عراقی واقعاً به مثلث نشینی محدود شده بود. همچنین همین توده سنی نیز علیرغم تلاش‌های حکومت بعثی برای شکل دهی به انگیزه‌ها و نگرش‌ها به دو گروه تقسیم شده که حداقل ۳۵ درصد از توده نسبت به تداوم حکومت صدام بی‌اعتنا بوده‌اند، زیرا اگر این گونه نبود باید تمام اعضای جامعه توده‌ای عراق سیستم سیاسی با رهبری قدرتمند را برای دولت آینده عراق ترحیح می‌دادند. (۲۳)

چهاردهم جنگ، احساس بدبینی، کسالت و ناآراحتی عمومی جامعه عراق را دربرگرفت. حتی آدوینس، شاعر سوری مقیم پاریس شعری را با نام سلام بر بغداد منتشر کرد که شکست قطعی اعراب و خفت آنان از جنگ را حکایت می‌کرد. (۲۵)

درک عمق مشکلات، ناکارآمدی و ضعف رژیم بعثی، فروپاشی هویت توده‌ای، مخاطبان را به بروز رفتارهای مورد نظر مجری عملیات روانی، ترغیب کرد و همین مساله، هدف نیروهای ائتلاف یعنی سرنگونی رژیم صدام در کوتاه مدت را تحقق بخشید.

بر این اساس، عملیات روانی علیه عراق موفقیت آمیز بوده؛ هرچند برخی معتقدند عملیات مبرورتتها در سطح تاکتیکی نتایج مثبتی را در برداشته است به عنوان مثال، آنتونی کوردزمن، پس از بررسی عملیات روانی نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در عراق می‌نویسد:

«ایالات متحده و بریتانیا درس‌های در دناکی درباره ابعاد روانی و سیاسی جنگ گرفتند، به نظر می‌رسد تلاش‌های تاکتیکی آن‌ها در سطح روانی «عملیات روانی» موفقیت‌های مهمی را در بر داشته است؛ اما در عین حال، ایالات متحده بریتانیا در اداره مبارزه سیاسی، روانی در سطح استراتژیک و تحکیمی شکست خوردند.» (۲۶)

فراپاشی دفاع عراق و تسلیم شدن به نیروهای ائتلاف در روزهای آغازین نبرد گوشرد

## انبار

۱۲) روز از جنگ می‌گذشت و ژنرال‌های آمریکایی در انتظار نیروهای سنگین با نیروهای گارد بودند که من ارتباطم را با فرماندهی از دست دادم. سربازانم نیز بواسطه جنگ‌های روانی که سوم آوریل» روز رسیدن به محدوده بغداد» آغاز شده بود، روحیه خود را از دست داده بودند، یک روز قبل از آنکه تانک‌هایشان توسط آمریکایی‌ها منهدم شود از صحنه جنگ ستواری شده بودند، چرا که همه متوجه شده بودند که ما شکست می‌خوریم.»<sup>(۳۰)</sup>

شواهد دیگری نیز گفته حسن قبانی را تأیید می‌کند بسیاری از افسران عراقی معتقدند در آغاز بهمان موضوع گارد ریاست جمهوری عراق از سوی نیروی هوایی ایالات متحده بسیاری از افسران ارتش نیروهای تحت امر خود را ترک کرده و گریخته بودند، پس از این فرار بود نیروهای جز، بطور دسته جمعی ترک خدمت کردند.<sup>(۳۱)</sup>

استفن بیگر از تحلیل‌گران و ارشد وزارت دفاع معتقد است، عملیات روانی در نخستین روزهای جنگ به ویژه در مورد نیروی زمینی عراق تا اثرات عمیقی داشته است.<sup>(۳۲)</sup>

مایکل رگا از اعضای واحد ذخیره عملیات روانی وقتی به همراه گردان ۳۰۳ وارد بغداد شد تا پیام‌های عملیات روانی ایالات متحده در بغداد اشغال شده بصورت چهره به چهره به مردم برساند، معتقد است که استقبال گرم مردم

می‌کرد.<sup>(۳۷)</sup> در این راستا رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده پس از پایان جنگ گفته بود: «واقعیت این است که تعدادی از سربازان عراقی شامل هشت هزار نفر تنها پس از دور روز از شروع جنگ خود را تسلیم کرده‌اند، این مسئله در نتیجه ارسال پیام‌های روانی بودند که واحدهای جنگ روانی ما برای منصرف کردن نیروهای دشمن به محیط آنها ارسال کرده بودند.»<sup>(۳۸)</sup>

هم چنین به گفته برخی از افسران پیشین ارتش و گارد ریاست جمهوری عراق، نیروهای نظامی از قطعی بودن شکست در برابر نیروهای ائتلاف مطلع بوده و حتی به صدام پیشنهاد خروج از عراق را داده بودند. ناامیدی و سرخوردگی در شخص صدام نیز تثبیت شده بود وی تنها پس از پنج روز از آغاز جنگ به یکی فرماندهان خود از بی فایده بودن مقاومت سخن گفته بود. یکی از این افسران می‌گوید: «روحیه عدم مقاومت و حتمی بودن شکست به قدری شایعه شده بود که وقتی در مراسم تشییع جنازه سربازان بودیم، عزاداران از فرماندهان حاضر می‌پرسیدند که شرایط در جبهه چگونه است، آنان بلافاصله پاسخ می‌دادند: می‌بازیم و باید، پست‌های خود را ترک کنیم.»<sup>(۳۹)</sup>

سرهنگ حسن قبانی ۴۶ ساله فرمانده تیپ تانک‌های گارد ریاست جمهوری در جایی جنگ را اینگونه تشریح می‌کند:

۱۷. محمد حسین الیاسی. "مقتاعد سازی در تئوری و عمل": نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۳، ص ۹-۱۸. همان، ص ۱۰.

۱۹. محمد حسین الیاسی. "تاثیر و نقش همچنان ها در جنگ روانی": نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۶۶.

۲۰. محمد حسین الیاسی. "مقتاعد سازی در تئوری و عمل": پیشین، صص ۱۲-۱۳.

21. Anthony Cordesman. "Iraq and Conflict Termination The Road to Guerrilla War", Cited in [www.csis.org](http://www.csis.org)

22. Stephanie Ho. "Psyops in IRAQ", cited: [www.iraqcrisisbulletin.com](http://www.iraqcrisisbulletin.com)

23. Anthony Cordesman "Hostage, Murders, Desecrated", cited in: [www.csis.org](http://www.csis.org)

به نقل از نبی بی سی، ۱۳۸۷/۷/۵.

۲۴. پایگاه اینترنتی [www.targetiraq.persianblog.com](http://www.targetiraq.persianblog.com).

۲۵. پرویز امام زاده، پیشین، ص ۲۰.

26. Anthony Cordesman, "Iraq Conflict Termination The road to Guerrilla war?" Cited in: [www.csis.org](http://www.csis.org)

۲۷. پرویز امام زاده، عملیات روانی نیروهای آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس، "فصل نامه عملیات روانی"، شماره ۳، پاییز ۸۲، ص ۱۳.

28. Jean Marbella, "A Battle Waged on IRAQ's Airwarcs", cited in: [www.balimore.sun.com](http://www.balimore.sun.com)

۲۹. نقش جاسوسان دو جانبه در سرنگونی صدام: ترجمه رضا سادات، روزنامه شرق، شماره ۶۳، ۸/۷/۸۹

۳۰. آسراف فروپاشی ارتش عراق، ترجمه فاضل قاسمی، روزنامه یاس نو، شماره ۱۵۸، ۸۷/۲/۲۴

۳۱. نقش جاسوسان: همان

32. Matthew French. DoD Aims Psyops at Iraq", cited in: [www.fcw.com](http://www.fcw.com)

33. Jan Ackerman, "Psyops units Tells Iraq, US is their Friends: cited in: [www.post-gazette.com](http://www.post-gazette.com)

از وی به عنوان سمبل امیدواری و اتحاد، نمایانگر موفقیت های عملیات روانی نیروهای ائتلاف در جنگ خلیج فارس است. (۳۳)

### پانوشت ها

۱. نقش جاسوسان دو جانبه در سرنگونی صدام، ترجمه رضا سادات، روزنامه شرق، شماره ۶۳، ۸/۷/۸۹، ص ۸

۲. پرویز امام زاده فرد، عملیات روانی آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس در سال ۲۰۰۳: نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۹

۳. سمیر خلیل، جمهوری وحشت، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۰، صص ۷۱-۷۲.

۴. گوستا لویون، روان شناسی توده ها، ترجمه کبیرت خواجهی ها، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۶۳، ص ۴۵.

۵. تیرا چاندوک، جامعه مدنی و دولت، چاپ اول، ترجمه فریدون قاضی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۵۷، ص ۳۳.

۶. سید مرتضی، مردی ها، دفاع از عقلانیت، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۹، ص ۷۸.

۷. ویلفرد رودریش، سیاست به مثابه علم، چاپ اول، ترجمه یحیی صلاحی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲، صص ۸-۷۸.

۸. حسین بشریه، جامعه شناسی سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۶.

۹. همان، ص ۳۳۷.

۱۰. همان، ص ۳۳۶.

۱۱. "عزت عملی نژاد: علل و ماهیت جنگ ایران و عراق"، پایگاه اینترنتی: [www.Voanews.com.Persian](http://www.Voanews.com.Persian)

12. Ibrahim Al-Marsani. "Saddam's Security and Intelligence Network", cited in: [www.cns.mils.edu](http://www.cns.mils.edu)

۱۳. سمیر خلیل، پیشین، ص ۱۰۴.

۱۴. علی فهیم دانش، عملیات روانی ایالات متحده علیه عراق در جنگ دوم خلیج فارس، اداره تبلیغات دفاعی، معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۲ (گزارش منتشر نشده).

۱۵. سمیر خلیل، پیشین، ص ۱۶۹.

۱۶. همان، ص ۳۲۷.